

فوکو را فراموش کن

ژان بودریار

و

بودریار را فراموش کن

گفت و گوی سیلور لوترنزه با

ژان بودریار

(ویراست دوم)

ترجمه‌ی پیام یزدانجو



نشر مرکز

Forget Foucault
Jean Baudrillard
& *Forget Baudrillard*
(An Interview with Sylvère Lotringer)

فوکو را فراموش کن

ژان بودریار

ترجمه‌ی پیام یزدانجو

ویراست دوم

طرح جلد از ابراهیم حقیقی

چاپ اول ۱۳۷۹، شماره‌ی نشر ۵۳۷

چاپ اول ویرایش دوم ۱۳۸۴، ۲۰۰۰ نسخه، چاپ غزال

شابک: ۹۶۴-۳۰۵-۸۴۵-X

نشر مرکز، تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱

کتابفروشی نشر مرکز: خیابان دکتر فاطمی، روبروی هتل لاله

خیابان باباطاهر، شماره‌ی ۸، تلفن: ۸۸۹۷۰۴۶۲-۳

E-mail: info@nashr-e-markaz.com

کلیه‌ی حقوق برای نشر مرکز محفوظ است

Baudrillard, Jean

بودریار، ژان، ۱۹۲۹-

فوکو را فراموش کن / ژان بودریار، بودریار را فراموش کن: گفت‌وگوی سیلور لوترنزه با ژان

بودریار؛ ترجمه‌ی پیام یزدانجو، - [ویراست ۲] / پیام یزدانجو، - تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۴.

۱۲۸ ص. - (نشر مرکز: شماره‌ی نشر ۵۳۷)

ISBN: 964-305-845-X

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

نمایه.

۱. فوکو، میشل. Baudrillard, Jean - م. نقد و تفسیر.

۲. بودریار، ژان، ۱۹۲۹-

۳. بودریار، ژان ۱۹۲۹- م. Baudrillard, Jean - مصاحبه‌ها. الف. لوترنزه،

سیلور، Lotringer, Sylvère. ب. یزدانجو، پیام، ۱۳۵۴ - مترجم، ج. عنوان، د.

عنوان: بودریار را فراموش کن، گفت‌وگوی سیلور لوترنزه با ژان بودریار.

۱۹۴

۹ ب ۹۴ ب ۲۴۳۰ / B

۸۴-۹۸۵۵ م

کتابخانه ملی ایران

فهرست

۷	یادداشت مترجم
۹	برای ویزاست دوم
۱۳	فوکو را فراموش کن (ژان بودریار)
۶۱	بودریار را فراموش کن (گفت‌وگوی سیلور لوترنزه با ژان بودریار)
۶۳	بخش اول
۷۵	بخش دوم
۸۷	بخش سوم
۹۹	بخش چهارم
۱۱۳	بخش پنجم
۱۲۴	کتاب‌شناسی فارسی
۱۲۷	نمایه‌ی نام‌ها

یادداشت مترجم

در سال ۱۹۷۷، در دهه‌یی که میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴) فیلسوف و اندیشه‌گر بزرگ فرانسوی به اوج شهرت رسیده و با انتشار مهم‌ترین آثارش - از جمله نظارت و مجازات (۱۹۷۵) و تاریخ میل جنسی (جلد اول) (۱۹۷۶) - عرصه‌ی اندیشه‌ی اجتماعی و سیاسی را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود، هموطن نه‌چندان نام‌آورش، ژان بودریار (۱۹۲۹-) کتابی کوچک اما به‌غایت جسورانه با نام فوکو را فراموش‌کن^۱ منتشر کرد که طبعاً طنینی تکان‌دهنده یافت. بودریار که تا این زمان با دواثر عمده‌اش، آینده‌ی فرآوری (۱۹۷۳) و مبادله‌ی نمادین و مرگ (۱۹۷۶)، گسست خود از چشم‌انداز آشنای فلسفه و جامعه‌شناسی فرانسوی را آغاز کرده، و می‌رفت تا با آثاری چون دریاهای فریبندگی (۱۹۷۹) و وانموده‌ها و وانمایی (۱۹۸۱) با «سردمدار پسامدرنیسم» ملقب شود، انتشار این کتاب و حمله به فوکو را به نقطه‌ی عطفی برای ارائه‌ی آرای زیروروکننده‌ی خود بدل کرد.

با وجود تأثیر عظیم سارتر در دهه‌های شصت و هفتاد، سلطه‌ی سراسری فوکو بر اندیشه‌ی روستفکران، فیلسوفان، و جامعه‌شناسان نه تنها افول نکرده، بل به شکل مهبی فزونی گرفت. فوکو در سال ۱۹۷۰ و به دنبال مرگ استاد خود ژان ایپولیت، به عنوان جانشین وی به تدریس سیر نظام‌های اندیشه (تاریخ تفکر) در «کولژ دو فرانس» روی آورد و با قرار گرفتن در چنین موقعیتی، به یاری ژرف‌نگری‌های آثارش، دامنه‌ی نفوذ خود را هرچه گسترده‌تر و استوارتر ساخت. از این رو، به چالش کشیدن آرای اوکار آسانی نبود. با این حال، بودریار فوکو را فراموش کن را ابتدا به عنوان نقدی بر مجموعه آثار فوکو و برای درج در نشریه‌ی کریتیک نوشت. این متن متعاقباً از سوی گردانندگان نشریه برای فوکو فرستاده شد تا پاسخ احتمالی خود را ارسال کند. فوکو پاسخی به این نوشته نداد، و بودریار سرانجام آن را در قالب کتابی کوچک منتشر کرد. ظاهراً تنها واکنش او به این نقد این گفته بود: «به یاد ... بودریار که می‌افتم در دسرهای ام بیش‌تر می‌شود.»^۲ اما پی‌آمد عملی انتشار آن محرومیت نویسنده‌اش از اشتغال به تدریس در مهم‌ترین مراکز آکادمیک فرانسه و طرد او از سوی هواداران پرنفوذ فوکو بود.

اکنون دامنه‌ی انتقاد از فوکو بسیار گسترده است، اما در این میان بودریار بی‌شک تنها کسی است که از موضعی برابر و با سلاح او به جنگ‌اش رفته، اساس اندیشه‌اش را به چالش کشیده، و نظام غالب و غول‌آسای‌اش را از درون متلاشی کرده است. بودریار سخن‌پردازی فوکو در باب مقولات محوری آثارش، «قدرت» و «میل جنسی»، را (که سخن مشترک دولوز-گتاری و لیوتار نیز هست) به پرسش می‌کشد، و دوران این سخن را سپری‌شده می‌داند - سخنی مقید به مدرنیته‌ی درگذشته که اکنون جای خود را به دوران پسامدرن می‌دهد.

هفت سال پس از فراموش کردن فوکو، بودریار در گفت‌وگویی با سیلور لوترنزه، متفکر و مفسر نواندیش فرانسوی، شرکت می‌کند تا این بار خود را به دست فراموشی بسپارد؛ اما حاصل این گفت‌وگو هم بیش از آن که فراموش کردن بودریار باشد، فراموش کردن گذشته‌ی فوکویی او است. آن متن و این مصاحبه در کنار هم، با ضرباهنگ شتاب‌ناک، سبک گزین‌گویه‌وار، و لحن جدل‌بار خود، معرف آرای نویسنده‌ی نامتعارف و بی‌شبهت، به هم‌نسلا ناش شده‌اند؛ اندیشه‌وری که غرابت و تازگی نوشتارش، بیش از همه، یادآور نیچه است.



فوکو را فراموش کن نخستین کتابی است که از بودریار به فارسی ترجمه می‌شود. این، مطابق رویه‌ی معمول در چنین مواردی، بر آن شدم تا معرفی جامعی از نویسنده و آثارش را در مقدمه‌ی کتاب گنجانده، و هر جا که لازم باشد توضیحاتی را به صورت پانوشته یا پی‌نوشت بیافزایم. اما جایی در میانه‌ی راه این رویه را رها کردم. آنچه درباره‌ی بودریار باید می‌نوشتیم به زودی از حد یک مقدمه‌ی متعارف فراتر رفت، و از دیگر سو حاشیه‌پردازی چنان فزاینده شد که به از دست رفتن ویژگی‌های ضروری چنین متنی منجر می‌شد. این شد که از آوردن آن نوشته‌ها در این ترجمه به کلی منصرف شدم، به این امید که با ترجمه‌ی دیگر آثار بودریار، خوانندگان فارسی‌زبان او را بیش‌تر و بهتر از طریق خود بشناسند.

پی‌نوشت‌ها

1. Jean Baudrillard, *Oublier Foucault* (Paris: Galilée, 1977).

فوکو را فراموش کن، نخست‌بار (با شتاب‌زدگی در فهم نحوی) با عنوان فراموش کردن فوکو به انگلیسی ترجمه شد:

Jean Baudrillard, "Forgetting Foucault", trans. Nicole Dufresne, in *Humanities in Society*, vol. 3, No. 1.

و سپس با عنوان دقیق فوکو را فراموش کن به همراه بودریار را فراموش کن (گفت‌وگوی سیلور لوترنزه با ژان بودریار) در یک مجلد به چاپ دوباره رسید:

Jean Baudrillard, *Forget Foucault*, trans. Nicole Dufrence & *Forget Baudrillard: An Interview with Silvere Lotringer*, trans. Phil Beitchman, Lee Hildreth, and Mark Polizzotti (New York: Semiotext(e), Foreign Agents Series 1987);

در ترجمه‌ی فارسی متن انگلیسی مبنای کار قرار گرفته، سپس با متن فرانسوی تطبیق داده شده است.

2. Didier Eribon, *Michel Foucault*, trans. Besty Wing (Cambridge, MA: Harvard University Press, 1991), p. 275.

برای ویراست دوم

راز بودریار این است که می‌داند نظریه‌ها حائز هیچ «حقیقت» مطلقى نیستند و هرگز شکل از پیش تعریف‌شده‌ی نخواهند داشت. این است که هر اثرش، افزون بر پی‌گیری عمده‌ترین ایده‌ها، آشکال فریبده‌ی خاص خود را پی می‌ریزد. هنوز هم بر این باور ام که «فوکو را فراموش کن»/ «بودریار را فراموش کن» دوگانه‌ی است که به بهترین وجه این راهبرد را جامه‌ی عمل پوشانده - هنوز هم باور دارم که این دو متن و مصاحبه، با همه‌ی دشواری، از بهترین، دقیق‌ترین، و خواندنی‌ترین نوشته‌های بودریار برای مشتاقان آشنایی با او است.

خوش‌بختانه، در فاصله‌ی انتشار نخست‌بار این ترجمه تا به حال، متون متعدد و بعضاً مهمی از بودریار و نیز دیگر متفکران مورد بحث به فارسی در آمده، که من هم سهمی در آن میان داشته‌ام. گمان می‌کنم با مراجعه به این منابع اکنون فهم آرای او و بازخوانی این اثر آسان‌تر خواهد بود - هرچند که بودریار این بخت را داشته که بیش از هر متفکر معاصر دیگری مورد بدفهمی قرار گیرد.

از این رو، در ویراست دوم پی‌نوشت‌های توضیحی و تکمیلی خود و مترجمان انگلیسی را حذف کرده، به جای آن به تنظیم «کتاب‌شناسی فارسی» اقدام کرده‌ام، با این امید که، به این ترتیب، از یک سو شتاب و شدت متن اصلی را هرچه بیش‌تر حفظ کرده و از دیگر سو مجالی برای خواننده فراهم کنم تا خود به دیگر منابع رجوع کند.

«ویراست دوم» در واقع ترجمه‌یی تازه است. برای من، این پنج سال گذشته با مطالعه‌ی افزون آثار بودریار، آثار پیرامون او، و ترجمه و تألیف نوشته‌هایی دیگر از او و درباره‌ی او همراه بود. کشف کتاب‌های بودریار رخدادی خیره‌کننده بود، و حال تجربه ایجاب می‌کرد تا با فاصله‌گیری از شیفتگی‌ها و شتاب‌زدگی‌ها، حالتی که ملازم هر کشف اولیه و شخصی است، با درک و دقت بیش‌تری اثر را از نوبه فارسی در آورم، باز هم به این امید که، به این ترتیب، از یک سو از بابت نادرستی‌ها و نارسایی‌های پیشین پوزش خواسته و از دیگر سو آن کژی‌ها و کاستی‌ها را به کم‌ترین حد کاهش دهم.